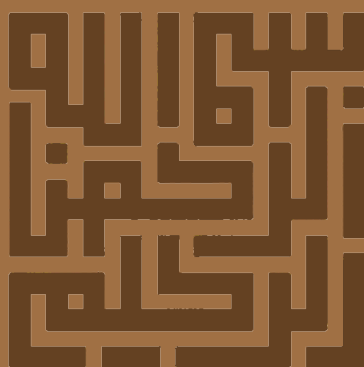






سرشناسه	: اعرافی، علی رضا، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: فقه تربیتی
وضعیت ویراست	: [ویراست ۳]
مشخصات نشر	: قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ج.: جدول، نمودار؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	: دوره: ۱-۵-۹۵۶۹۱-۶۰۰-۹۷۸؛
	: ۱۶۰۰۰۰ ریال: ج.: ۶-۹۵۶۹۱-۶۰۰-۱۹۷۸؛
	: ۱۳۰۰۰۰ ریال: ج.: ۳-۱-۹۵۶۹۱-۶۰۰-۲۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپای مختصر
یادداشت	: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است
یادداشت	: چاپ سوم.
مندرجات	: ج. ۱. مبانی و پیش فرضها. - ج. ۲. یادگیری علم و دین
شناسه افزوده	: موسوی، سیدنقی، ۱۳۵۷ -
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۹۵۶۳۷۱

علیرضا اعرافی

فقه تربیتی ۲
ویراست جدید

یادگیری علم و دین

تحقیق و نگارش: سید نقی موسوی



نشر اشراق و عرفان



www.eshragh-erfan.com
info@eshragh-erfan.com

فقه تربیتی ۲ (یادگیری علم و دین)

علیرضا اعرافی

تحقیق و نگارش سیدنقی موسوی
ناشر انتشارات موسسه اشراق و عرفان
ویراستار محمد خیری
امور هنری حمید بهرامی
نوبت و تاریخ چاپ سوم / پاییز ۱۳۹۴
لیتوگرافی، چاپ و صحافی سازمان چاپ اسراء
شمارگان ۱۵۰۰ نسخه
قیمت ۱۳۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای موسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ISBN: 978-600-95691-1-3

آدرس: ایران، قم، خیابان معلم، کوچه ۸، کوچه شهید محقق، پلاک ۵۹
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۴۴۴۵ ♦ تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۰ ♦ نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۷۴۸۵۴۱

فهرست مطالب

۱۱.....	سخن مؤسسه
۱۳.....	مقدمه ویراست اول
۱۵.....	پیشگفتار
۲۳.....	مقدمه

کلیات / ۲۷

۲۸.....	مفهوم‌شناسی یادگیری
۳۰.....	گستره مفهوم یادگیری
۳۳.....	دورنمای مباحث فقه تربیتی در حوزه یادگیری

فصل اول: علم‌آموزی / ۳۹

۴۱.....	۱. طرح مسئله
۴۳.....	۲. پیشینه بحث
۴۴.....	۲-۱. دیدگاه رجحان
۴۷.....	۲-۲. دیدگاه اباحه
۴۹.....	۳. ادله دیدگاه رجحان
۵۰.....	۳-۱. دلیل عقلی
۵۰.....	۳-۱-۱. بیان اول
۵۱.....	۳-۱-۲. بیان دوم
۵۳.....	۳-۲. ادله قرآنی

۳-۳ . ادله روایی	۵۷
دسته اول: روایات الزام‌کننده به علم‌آموزی	۵۸
۱. روایات «طلب العلم فریضة علی کل مسلم»	۵۸
۲. روایات بیانگر وجوب علم‌آموزی	۷۴
۳. روایات نمی‌کننده از ترک علم‌آموزی	۸۰
دسته دوم: روایات بیانگر ارزش دانش و دانش‌اندوزی	۸۴
برتری تحصیل دانش بر کسب مال	۸۸
برتری تحصیل دانش بر عبادت	۸۹
فواید علم‌آموزی	۹۰
دسته سوم: روایات بیانگر جایگاه دانشمندان	۹۱
۳-۴ . جمع‌بندی ادله دیدگاه رجحان	۹۶
۴. ویژگی‌های حکم	۹۷
۴-۱ . حکم مولوی یا ارشادی	۹۷
۴-۲ . حکم نفسی یا غیری	۹۹
۴-۳ . حکم عینی یا کفایی	۱۰۰
۴-۴ . حکم تعبدی یا توصلی	۱۰۲
۴-۵ . حکم تعیینی یا تخییری	۱۰۲
۵. حکم فقهی مسئله	۱۰۳

فصل دوم: پی‌جویی دین / ۱۰۵

۱. مقدمات	۱۰۷
یادگیری علوم و معارف و حیانی	۱۰۷
سطوح آشنایی با دین	۱۰۸
۲. مفهوم‌شناسی	۱۱۰
۲-۱ . مفهوم‌شناسی پی‌جویی	۱۱۰
۲-۲ . مفهوم‌شناسی دین	۱۱۱
۲-۳ . تعریف مختار از دین	۱۱۳

۱۱۴.....	۳. ادله وجوب پی جویی دین
۱۱۴.....	۳-۱. ادله عقلی
۱۱۹.....	۳-۱-۲. وجوب شکر منعم
۱۲۱.....	۳-۱-۳. معرفت، شرط انسانی زیستن
۱۲۳.....	نقد و بررسی
۱۲۴.....	جمع بندی ادله عقلی
۱۲۵.....	۳-۲. ادله نقلی
۱۲۶.....	۴. ویژگی های حکم
۱۲۹.....	۵. حکم فقهی مسئله

فصل سوم: یادگیری معارف دین/۱۳۱

۱۳۳.....	۱. طرح مسئله
۱۳۵.....	۲. پیشینه بحث
۱۳۶.....	۳. ادله استحباب یادگیری معارف دین
۱۳۶.....	۳-۱. دلیل عقلی
۱۳۶.....	۳-۲. ادله قرآنی
۱۳۷.....	۳-۲-۱. آیات امرکننده به پرسشگری درباره معارف اسلام
۱۴۰.....	۳-۲-۲. آیات بیانگر منزلت علمای دین
۱۵۲.....	۳-۲-۳. آیات بیانگر آموزگاری خداوند
۱۵۴.....	۳-۳. ادله روایی
۱۵۵.....	۳-۳-۱. روایات «طلب العلم فریضه»
۱۵۹.....	۳-۳-۲. روایات امرکننده به تحصیل معارف دین و نهی کننده از ترک تحصیل آن
۱۶۳.....	۳-۳-۳. روایات بیانگر ارزش یادگیری معارف دینی
۱۷۶.....	۳-۳-۴. روایات بیانگر ویژگی های ارزشمند معارف دینی
۱۸۰.....	۳-۳-۵. روایات بیانگر منزلت عالمان دین
۱۸۲.....	۴. ویژگی های حکم
۱۸۲.....	۴-۱. حکم مولوی یا ارشادی
۱۸۲.....	۴-۲. حکم نفسی یا غیری یا طریق

۱۸۶	۴-۳. حکم عینی یا کفایی
۱۸۷	۴-۴. حکم تعبدی یا توصلی
۱۸۷	۴-۵. حکم تعیینی یا تحبیری
۱۸۸	۵. حکم فقهی مسئله

فصل چهارم: یادگیری احکام مبتلابه/۱۸۹

۱۹۲	۱. مفهوم‌شناسی ابتلاء
۱۹۶	۲. پیشینه بحث
۱۹۸	۳. ادله وجوب یادگیری احکام مبتلابه
۱۹۸	۳-۱. عقل
۲۰۰	۳-۲. قرآن
۲۰۴	۳-۳. سنت
۲۰۷	۴. ویژگی‌های حکم
۲۱۰	۵. مباحث تکمیلی
۲۱۴	۶. حکم فقهی مسئله

فصل پنجم: مطالعه تخصصی و اجتهادی دین/۲۱۵

۲۱۷	۱. مقدمات
۲۱۷	۱-۱. مفهوم‌شناسی اجتهاد
۲۱۸	معنای لغوی اجتهاد
۲۱۹	معنای اصطلاحی اجتهاد
۲۲۵	۱-۲. تقسیمات اجتهاد
۲۲۵	اول: تقسیم از حیث منابع
۲۲۸	دوم: تقسیم از حیث مناهج و مکاتب
۲۲۹	سوم: تقسیم از حیث قوه و فعل
۲۳۱	چهارم: تقسیم از حیث اطلاق و تجزئ
۲۳۳	پنجم: تقسیم از حیث معارف توصیفی و تجویزی

ششم: تقسیم از حیث انگیزه اجتهادورزی	۲۳۴
۱-۳. پیش نیازهای اجتهاد	۲۳۵
۲. بررسی حکم اجتهاد	۲۳۶
۱-۲. بررسی حکم «اجتهاد فی نفسه»	۲۳۷
۲-۲. بررسی حکم «اجتهاد لعمل نفسه»	۲۳۹
دلیل عقلی	۲۳۹
دلیل قرآنی	۲۴۳
دلیل روایی	۲۵۱
جمع بندی ادله	۲۶۲
۲-۳. بررسی حکم «اجتهاد لعمل غیره»	۲۶۲
دلیل اول: عدم رضایت شارع به ترک اجتهاد	۲۶۳
دلیل دوم: مقدمه واجب بودن اجتهاد	۲۶۴
دلیل سوم: تلازم وجوب تقلید با وجوب اجتهاد	۲۶۵
دلیل چهارم: ادله نقلی	۲۶۷
جمع بندی ادله	۲۶۸
۲-۴. بررسی حکم «اجتهاد برای دیگر مناصب»	۲۶۸
۵. ویژگی های حکم اجتهاد	۲۷۲
۵-۱. حکم مولوی یا ارشادی	۲۷۲
۵-۲. حکم طریق، نفسی یا غیری	۲۷۳
۵-۳. حکم عینی یا کفایی	۲۷۷
۵-۴. حکم تبعدی یا توصلی	۲۷۹
۵-۵. حکم تعیینی یا تخییری	۲۸۱
۶. حکم تحصیل در سطوح عالی اجتهاد	۲۸۲
۷. حکم فقهی مسئله	۲۸۳

پیوست ها/ ۲۸۵

پیوست ۱	۲۸۷
---------------	-----

۲۸۷	۱. اصالة المولويه
۲۸۷	۱-۱. تبیین اصالة المولويه
۲۹۰	۱-۲. خروج از اصالة المولويه
۲۹۱	۲. اقسام حکم مولوی
۲۹۱	۲-۱. مولوی نفسی
۲۹۲	۲-۲. مولوی طریق
۲۹۳	۲-۳. مولوی غیری
۲۹۴	۳. اقسام حکم ارشادی
۲۹۴	تقسیم اول: انواع حکم ارشادی از جهت مُرشدالیه
۲۹۵	تقسیم دوم: انواع حکم ارشادی از جهت گستره معنایی
۲۹۷	تقسیم سوم: اقسام ارشاد به حکم عقل قطعی
۳۰۰	۴. اقسام ارشاد
۳۰۲	پیوست ۲: یادگیری علوم و معارف دینی، توصلی نوع دوم است
۳۰۲	۱. تفاوت‌های حکم تعبدی و توصلی
۳۰۴	۲. گونه‌های نیت در اعمال
۳۰۶	۳. پیشینه بحث
۳۰۹	۴. تحقیق در مسئله از منظر روایات
۳۰۹	۲-۴-۱. روایات وعده ثواب برای اخلاص
۳۱۱	۲-۴-۲. روایات وعید عذاب برای قصد غیر خدایی داشتن
۳۱۸	۵. جمع‌بندی
۳۱۹	کتابنامه
۳۳۳	نمایه آیات
۳۳۷	نمایه روایات
۳۴۰	نمایه اصطلاحات
۳۴۴	نمایه اشخاص
۳۴۶	نمایه کتب

سخن مؤسسه

انقلاب شکوهمند اسلامی، رسالت حوزه‌های علمیه را دوچندان کرده است. نظام اسلامی برای تأمین پشتوانه نظری خود باید مبانی علمی لازم برای تصمیم‌گیری و اجرا را داشته باشد و این عرصه‌ای است که حوزه علمیه در کنار دیگر مجامع علمی باید در آن نقش فعال داشته باشد؛ چرا که بدون گسترش مرزهای علوم اسلامی به مباحث نوپدید و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی، این نیاز پاسخ مناسب نمی‌یابد. ضرورت مجاهدت علمی به منظور پاسخگویی به مطالبات روزافزون و برحق جامعه دینی، زمانی حس می‌شود که در نظر داشت اولاً تحولاتی جدید در مجموعه دانش بشری، به‌ویژه علوم انسانی رخ داده است؛ ثانیاً زندگی انسان معاصر، به واسطه پیشرفت در علوم و فناوری‌های جدید، دستخوش تطوراتی شگرف شده است ثالثاً شکل‌گیری نظام اسلامی، فرصت مناسبی را فراروی جامعه دینی جهت دستیابی به اهداف خود قرار داده است؛ از این‌روست که سرعت بخشیدن به فعالیت‌های علمی حوزوی به منظور توانمندسازی نظام اسلامی در این باره ضروری می‌نماید.

مؤسسه اشراق و عرفان که از سال ۱۳۸۶ با نظارت و اشراف علمی آیت الله اعرافی فعالیت خود را آغاز کرده است، در عین تأکید بر اصالت‌های حوزوی، در رفع نیازمندی‌های معرفتی انسان معاصر می‌کوشد؛ از این‌رو مأموریت‌های خود را

«پژوهش در زمینه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف بر مبنای روش اجتهادی در راستای نظام‌سازی اسلامی»، «پرورش پژوهشگران صاحب‌نظر در عرصه فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف و نظام‌سازی اسلامی» و «اسلامی‌سازی علوم انسانی» قرار داده است، تا بتواند به ایفای نقشی مؤثر در این مجال بپردازد.

از آنجا که تعلیم و تربیت، شرط اساسی تعالی انسان بوده است و به همین دلیل، نهاد آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهاد اجتماعی قلمداد می‌شود، انجام مطالعات تخصصی در این حوزه، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، بدیهی است که اثربخشی و کمال‌آفرینی هرگونه اقدام تربیتی در گرو تطابق آن با موازین دینی است و از این‌روست که ضرورت اعمال دقت‌های فقهی در بررسی مباحث تربیتی نمایان می‌شود. گروه پژوهشی فقه تربیتی به منظور تحقیق در عرصه تعلیم و تربیت و پیش‌رو قرار دادن چشم‌اندازهایی نو، اثر حاضر را - که دومین جلد از مجموعه فقه تربیتی است - به نخبگان حوزوی و دانشگاهی و نیز تصمیم‌گیران و مجریان عرصه آموزش و پرورش، می‌نماید.

ذکر آن لازم است که این جلد از مجموعه فقه تربیتی در سال ۱۳۸۷ همراه جلد اول، توسط پژوهشگاه حوزه و دانشگاه منتشر شده بود که اینک با بازنگری محتوایی و تکمیل و اضافات جدید به صاحب‌نظران تقدیم می‌شود؛ باشد که مورد استفاده ایشان قرار گیرد.

«مؤسسه اشراق و عرفان» برخود لازم می‌داند از استاد اعرافی که با ارائه دروس فقه تربیتی و اعمال نظارت و ارزیابی نهایی، امکان تولید این اثر را فراهم کردند، نیز از تلاش‌های پژوهشگر محترم حجت‌الاسلام سیدنقی موسوی که پژوهش و نگارش این اثر را بر عهده داشتند، همچنین از زحمات حجت‌الاسلام محمدتقی اکبرنژاد در ارزیابی این اثر تقدیر و تشکر کند.

امید است صاحب‌نظران و اندیشه‌وران حوزه و دانشگاه، به منظور بهبود محصولات آینده، مؤسسه اشراق و عرفان را از نظرات و پیشنهادهای سازنده خود بهره‌مند سازند.

مقدمه ویراست اول

کتاب حاضر در سال ۹۱، به عنوان «چاپ اول» به جامعه نخبگانی عرضه شد و چند چاپ به خود دید. پس از تدریس و گردآوری بازخورد از صاحب نظران، در این مجال فرصتی برای «ویراست اول» فراهم آمد.

عموماً تغییرات جزئی و ویرایشی در متن اعمال شد؛ اما پیوست سوم کتاب حذف شد و فصل پنجم با محتوای جدید نگارش یافت.

مرداد ۹۴-موسوی

پیشگفتار

دفتری که اینک به پیشگاه دانشوران و عالمان فقه و تربیت تقدیم می‌شود، محصول درس‌های «فقه تربیتی» است که از سال ۱۳۷۷ آغاز شده است و - با وجود توقف چندساله - هم‌اکنون نیز ادامه دارد. در فراهم آمدن این نوشتار و تقریر، هم دوستان شرکت‌کننده در جلسه درس و شرکت عالمانه و نقادانه آنان و هم دوستان فاضل تقریرگر و تدوین‌کننده، نقش بارزی داشته‌اند.

شایسته است ابتدا نیم‌نگاهی به دگرگونی‌ها، تطورها و ادوار کلان حوزه‌های علمیه بیندازیم. از يك نگاه کلی می‌توان این دگرگونی‌ها را به سه دوره تقسیم کرد:

۱. دوره بسط اولیه و انبساط نخستین: روزگاری حوزه‌های علمیه بسط معرفتی داشت و مجموعه متنوعی از معارف خاص اسلامی و بشری در حوزه‌های علمیه بررسی می‌شد و تعلیم و تعلم حوزوی گستره وسیعی از علوم و معارف اسلامی و بشری را دربرمی‌گرفت. البته این مدارس و مراکز علمی از لحاظ نوع نگرش و فضای حاکم بر آن و مؤلفه‌های فرهنگی و آموزشی متفاوت بودند؛ همان‌طور که میان حوزه‌های شیعه و مدارس اهل تسنن در کشورها و دوره‌های مختلف تفاوت‌هایی وجود داشت. برای نمونه، در بعضی از مدارس و برخی از دوره‌ها، فلسفه و علوم

عقلی، گاهی ریاضیات و علوم طبیعی و گاهی فقه، حدیث و علوم نقلی بیشتر برجسته شده است؛ ولی به هر حال، همه این علوم در مجموعه حوزه‌های علمیه مطرح بوده است.

۲. دوره قبض و درهم‌کشیدگی حوزه‌ها: در این دوره که حوزه‌های علمیه چند قرن آن را تجربه کرده است، به دلایل گوناگون تاریخی و عوامل درونی و محیطی، به‌تدریج بسیاری از رشته‌های علمی (چه دانش‌های بشری و احیاناً برخی از علوم دینی) از نظام معرفتی و آموزشی حوزه جدا شد. نقطه اوج این مرحله در قرون اخیر و دوره معاصر بود که با پیشرفت تمدن غربی و با ورود استعمار و رواج دانش‌های تولیدشده در آن دیار و با فشارهای وارد آمده بر حوزه‌ها و علماء و عقب‌افتادگی‌های فراوان، بسیاری از دانش‌ها از میان حوزه‌ها رخت برپست و مراکز علمی و دانشگاهی جدید جدای از حوزه‌ها شکل گرفت.

۳. دوره انبساط نوین: دوره حاضر، دوره انبساط و گشودگی دوباره حوزه‌ها در دوران معاصر است. محور و کانون این مرحله را می‌توان حوزه قم، به‌ویژه در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. البته حوزه نجف و برخی از مراکز و شخصیت‌های برجسته جهان اسلام و تشیع در این تحول و پیشرفت سهم بسزایی داشته‌اند.

گرچه حوزه علمیه قم، پیشینه تاریخی ممتدی داشته؛ اما در دوره معاصر دوباره بازسازی و بنیانگذاری شده است و تاکنون چهار مرحله را طی کرده است:

یک. مرحله پایه‌گذاری و شکل‌گیری آن توسط مرحوم آیت‌الله حائری یزدی رحمته‌الله علیه؛

دو. مرحله تثبیت و استقرار نظامات حوزه در زمان آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه؛

سه. مرحله گسترش و رشد کمتی و کیفی حوزه پس از مرحوم بروجردی رحمته‌الله علیه

توسط مراجع عظام و علمای حوزه و حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه؛

■ پیشگفتار ■

چهار. مرحله شکوفایی و پیشرفت پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با نقش آفرینی حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و مراجع بزرگوار و علما و فضایی جوان و شکل‌گیری نهادهای جدید در حوزه.

پیروزی انقلاب اسلامی که الهام‌گرفته و برخاسته از حوزه علمیه قم بود، متقابلاً تأثیرهای وسیعی در حوزه‌گذار و حوزه‌نیز در دگرگونی‌های مدیریتی، آموزشی، فرهنگی، پژوهشی، اجتماعی، معیشتی و غیره، بازتاب‌های گسترده‌ای داشته است. البته بررسی جامعه‌شناختی حوزه پس از تأسیس و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیازمند فرصت بیشتری است.

از نگاهی دیگر، می‌توان دوره سوم (دوره انبساط نوین) را به چند مرحله تقسیم کرد:

۱-۳. طرح جدی فلسفه در نظام آموزشی حوزه. در این مرحله، حوزه از انحصاری که در قلمروهای حدیثی، تفسیری و علوم نقلی به تدریج برای آن حاصل شده بود، بیرون می‌آید و یک گشودگی در طرح فلسفه و علوم عقلی در حوزه ایجاد می‌شود.

۲-۳. در این مرحله، به اندیشه‌ها و مکاتب فلسفی غرب (مانند اگزیستانسیالیسم و مارکسیسم) توجه می‌شود؛ تا اندازه‌ای که به مباحث اجتماعی، سیاسی و تربیتی اسلام هم با نگاه تطبیقی با اندیشه‌های متناظر غربی و فلسفه‌های مضاف علوم انسانی پرداخته می‌شود. علامه طباطبائی علیه السلام و شهید مطهری علیه السلام را می‌توان محور این مرحله در حوزه قم به‌شمار آورد.

۳-۳. در این مرحله، علاوه بر بسط، باروری، شرح و تبیین بیشتر اندیشه‌های اسلامی در قلمرو فلسفه و اندیشه اسلامی در عرصه‌های جدید، مسائل جدیدتر کلامی مطرح می‌شود و به حوزه‌های علوم انسانی با نگاهی تخصصی‌تر و نیز به مناسبات علوم انسانی و اسلامی توجه می‌شود و اهتمام به فلسفه‌های مضاف با نگاه اسلامی افزایش می‌یابد. در این مرحله، نقش اندیشه‌ورانی، مانند شهید

صدر^{علیه السلام} و استاد مصباح و مؤسسه‌های گوناگون حوزوی و دانشگاهی، مانند «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه) و «مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^{علیه السلام}» قابل توجه است.

۳-۴. در مرحله چهارم که اینک حوزه در حال تجربه و ورود به آن است، تلاش می‌شود که به قلمرو فلسفه و کلام، به صورت تخصصی‌تر و جزئی‌تر و حوزه علوم انسانی، به صورت کاملاً تخصصی توجه شود. در این مرحله، در حوزه کلام و فقه با نگاه نو و جدید، تحول و بسط اصولی و روشمند و ناظر به نیازهای علوم انسانی پدید آمده و زمینه تحقیق‌های جامع و میدانی برای تولید نظریه و علم انسانی اسلامی فراهم شده است. پیدایی «فقه تربیتی» را می‌توان در این جایگاه ارزیابی کرد.

از سوی دیگر، درباره رویارویی حوزه علمیه قم با مباحث تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت جدید در ساحت نظری نیز می‌توان به چند مرحله اشاره کرد:

۳-۴-۱. مرحله اول عبارت است از پرداختن به تعلیم و تربیت اسلامی بدون کار آکادمیک و تخصصی. در این مرحله، بیشتر به بازخوانی اندیشه‌های موجود در میراث گذشته و معارف اسلامی و ارائه آن با صورت‌بندی و شکل نو پرداخته می‌شود، با این پیش‌فرض که این اندیشه‌ها به صورت بالفعل در علوم اسلامی موجود است و فقط باید آنها را تبیین و عرضه کرد. همچنین با این تصور که لازم است با پرسش‌های جدید یا طبقه‌بندی و تنظیم نوین برای دنیای امروز عرضه شود. تألیف‌ها و آثار فراوانی، مانند آثار استاد امینی، از کارهای ارزشمندی است که در مرحله اول قرار می‌گیرد.

۳-۴-۲. مرحله دوم در ادامه مرحله پیشین است که می‌توان گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مؤسسه در راه حق، مؤسسه باقرالعلوم و مؤسسه امام خمینی^{علیه السلام}، علوم تربیتی به شکل دانشگاهی‌تر، منسجم‌تر و با نگاهی تخصصی‌تر وارد مباحث تربیتی و آموزشی و پرورشی می‌شود. در

■ پیشگفتار ■

پایه‌ریزی و تثبیت این جریان، گروه‌های علوم تربیتی در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه امام خمینی علیه‌السلام و برخی از مراکز و شخصیت‌های علمی جوان در حوزه و دانشگاه، بیشترین نقش را داشته‌اند.

۳-۴-۳. مرحله دیگری که در ابتدای آن قرار داریم و باید به سمت آن گام برداریم، این است که باید نگاه آکادمیک را تقویت کرد و در دو محور به تولید علم و نظریه‌پردازی پرداخت: محور اول اینکه دانش‌های کلام، فقه و اخلاق در حوزه تربیت و تعلیم سامانی نو بیابد و محور دوم اینکه در راستای اسلامی‌سازی علوم تربیتی باید ضمن حفظ هویت علمی علوم تربیتی به تولید علم در این زمینه اقدام کرد. در ادامه این دو محور به مثابه نقشه مطالعات اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت توضیح داده می‌شود:

محور اول: حوزه علوم اسلامی (کلام، فقه و اخلاق) باید با پرسش‌ها و موضوع‌های جدید تربیتی و با تأکید بر هویت علوم اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت رشد یابد؛ زیرا علوم اسلامی در يك طبقه‌بندی کلی، سه بخش کلی دارد:

الف. مباحث توصیفی و نظری اسلام در يك قلمرو که در اصطلاح به آن «کلام» گفته می‌شود و به دو قسم «کلام عام» و «کلام خاص» تقسیم می‌شود. منظور از «کلام عام»، همان کلام سنتی است که البته عرصه‌های جدید نیز بر آن افزوده می‌شود و به مسائل کلان توصیفی درباره هستی و جهان با نگاه اسلامی می‌پردازد. «کلام خاص» نیز همان فلسفه‌های مضاف است (مانند فلسفه تربیتی) که به نظریه‌ها و گزاره‌های توصیفی اسلام در قلمروها و ساحت‌های خاص می‌پردازد.

ب. فقه که با نگاه استحقاق ثواب و عقاب حکم افعال اختیاری انسان را مشخص می‌کند.

ج. اخلاق که به حوزه صفات روحی و احیاناً رفتارها از حیث حسن و قبح می‌پردازد.

همه معارف اسلامی در این طبقه‌بندی سه‌گانه متداول، قرار می‌گیرد. در این رویکرد، علوم اسلامی با نگاه به قلمرو علوم تربیتی بسط داده می‌شود. درواقع، روش و هویت علم اسلامی، اعم از کلام، فقه و اخلاق در قلمروهای جدید و با موضوع‌ها و پرسش‌های جدید محفوظ می‌ماند. آنچه که تاکنون در حوزه علمیه به آن پرداخته شده، در همین فضا است. برای گسترش و تعمیق معارف اسلامی در فضای علوم تربیتی، باید در چند حوزه، اقداماتی انجام داد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

حوزه اول: مباحث روش‌شناسی تربیت اسلامی: باید اصول فقه را بسط داد. استنباط اندیشه‌های فلسفی و کلامی، فقهی و اخلاقی در حوزه تعلیم و تربیت نیازمند روش‌شناسی است. روش‌شناسی موجود ما غنی و کارآمد است؛ اما کافی نیست و نیازمند بسط و گسترش است.

حوزه دوم: فلسفه تربیتی یا کلام خاص در حوزه تعلیم و تربیت: از این نظر به آن کلام خاص می‌گوییم تا ارتباطش با کلام عام و مبانی کلام محفوظ بماند و ترتب منطقی آن روشن باشد. درواقع، کلام عام به نگاه‌های کلان انسان‌شناسی و هستی‌شناسی می‌پردازد و کلام خاص، با همان دست‌مایه‌ها و بنیادها به گزاره‌های بنیادی و توصیفی در قلمروهای اجتماعی، فرهنگی، تربیتی و مانند اینها می‌پردازد.

حوزه سوم: فقه تربیتی: باید فقه در قلمرو مسائل تعلیم و تربیت بسط و گسترش پیدا کند و گزاره‌های تعلیم و تربیتی با نگاه فقهی بررسی شود.

حوزه چهارم: اخلاق تربیتی، به معنای بسط اخلاق اسلامی در حوزه تعلیم و تربیت.

این سه حوزه، پایه و بنیاد نظام تربیتی اسلام است و محورهای بعدی از لوازم یا نتایج آنها است.

حوزه پنجم: تفسیر متون دینی با نگاه تربیتی: برای دستیابی به حوزه‌های

■ پیشگفتار ■

قبل، تفسیر متون دینی با نگاه تربیتی لازم است. وقتی در حوزه فلسفه تربیتی یا فقه تربیتی وارد شویم، باید به قرآن و سنت مراجعه کنیم. از این رو، تفسیر تربیتی متون دینی، چه قرآن و چه حدیث و سایر متون دینی، مانند نهج البلاغه و صحیفه سجادیه ضرورت می‌یابد؛ زیرا بخشی از نکاتی که در قالب تفسیر تربیتی به دست می‌آید، با نگاه‌های فقهی و فلسفی حاصل نمی‌شود.

حوزه ششم: حدیث تربیتی: احادیث و روایات نبوی ﷺ و معصومان (علیهم‌السلام) نیز باید از منظر تربیتی مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

حوزه هفتم: سیره تربیتی: این حوزه به تحلیل عملکردهای تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌پردازد.

حوزه هشتم: تاریخ تعلیم و تربیت اسلامی: تاریخ حوزه‌های علمیه هم در ذیل این بحث قرار می‌گیرد. در این زمینه‌ها، تحقیق‌های وافی و کار شایسته انجام نگرفته است.

حوزه نهم: نظام تربیت اسلامی: آخرین حوزه که محصل تلاشها در حوزه‌های پیش‌گفته است، عبارت است از طراحی نظام تربیتی اسلام. نظام‌سازی نگاه کلانی است که حوزه‌های پیشین را به هم پیوند می‌دهد و به نظریه‌های کلان می‌رسد و در ادامه باید به نظام‌های خاص تربیت اسلامی در ساحت‌های مختلف دست یافت.

محور دوم: پرداختن به تولید علم دینی در حوزه علوم تربیتی. در این رویکرد، علوم تربیتی با حفظ هویت علمی آن هویت و چهره اسلامی می‌گیرد.

اما روشن است که پایه‌های علوم تربیتی اسلامی و تولید نظریه در زمینه تربیت اسلامی، بر فلسفه تربیت اسلامی و فقه تربیتی استوار است. هدف از پایه‌ریزی فقه تربیتی، تأمین این ضرورت بنیادی و نیز پاسخگویی به مسائل مورد ابتلای جامعه در این قلمرو بوده است.

سلسله مباحث فقه تربیتی در قالب درس خارج فقه از سال ۱۳۷۷ آغاز شد و مخاطبان و شرکت‌کنندگان آن، طلاب فاضل و ورزیده‌ای بوده‌اند که غالباً در رشته علوم تربیتی، تحصیلات دانشگاهی و نیز تحقیقات تربیتی داشته‌اند. این درس تا سال ۱۳۷۹ هفته‌ای دو ساعت ارائه می‌شد، سپس سه سال متوقف شد و دوباره از سال ۱۳۸۲ آغاز شد و هم‌اکنون هفته‌ای دو ساعت برقرار است. دفتر حاضر، جلد دوم و دارای پنج مسئله از مسائل بخش «تعلّم» است که با اضافات و تکمیل تقدیم می‌شود.

چند جلد دیگر نیز در آستانه نشر قرار دارد و بیش از ده تن از محققان در این طرح مهم در حال تحقیق، تألیف و تقریر هستند و این موسوعه فقهی در بیش از بیست جلد، با اذن و مشیت الهی منتشر خواهد شد. به برکت این سلسله مباحث، فقه تربیتی تولد یافته و در بسیاری از رشته‌ها به صورت واحد و سرفصل آموزشی درآمده است. رشته فقه تربیتی نیز در سطوح سه، چهار و دکترا طراحی شده و دوره دکترا آن در «جامعه المصطفی العالمیه» آغاز شده است.

علیرضا اعرافی

مقدمه

کتاب حاضر، جلد دوم از سلسله مجلدات فقه تربیتی است که به شکل ویژه به بررسی فقهی مسائل تعلیم و تربیت می‌پردازد و در این مجال، موضوع «احکام علم‌آموزی و دین‌آموزی» را در دستور کار خود قرار داده است.

اثر حاضر شامل پنج مسئله (در پنج فصل) به شرح ذیل است:

مسئله اول، به این پرسش اختصاص داده شده است که علم‌آموزی صرف نظراً از نوع و روش تحصیل، چه حکمی دارد؟ آیا مطلق علم‌آموزی، رجحان شرعی دارد؟

مسئله دوم، به حوزه دین‌آموزی گام نهاده، به این پرسش می‌پردازد که آیا پی‌جویی دین، الزامی است یا رجحانی؟ این حکم عقلی است یا شرعی؟ چه محتوایی از دین، مشمول حکم وجوب و کدام محدوده، مشمول حکم رجحان است؟ و

مسئله سوم، با یادداشت نتیجه مسئله دوم مبنی بر اینکه دین‌جویی و راهیابی به ساحت دین عقلاً واجب است، به این موضوع نظر دارد که آیا یادگیری معارف

اسلام به طور ویژه تأکید دارد؟ آیا می توان مدعی شد فردی که خود دل به اسلام سپرده و خانه دل را به نور ایمان به خدا و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، روشن کرده است هرچه از اسلام بیشتر بداند شرعاً ثواب بیشتری می برد؟ آیا این ادعا صحیح است که اسلام آموزی و اسلام پژوهی در همه مراتب و سطوح تحصیلی و پژوهشی رجحان دارد و استحباب آن به تدریج افزایش می یابد؟

مسئله چهارم، با این پیش فرض که معارف اسلام در یک درجه از اولویت تحصیلی قرار ندارند، «بررسی حکم یادگیری احکام مبتلابه» را در دستور کار قرار داده است.

مسئله پنجم، با توجه به اینکه دین آموزی در چند شاخه (آموزه های اعتقادی، اخلاقی و احکام) و چند سطح (معارف ضروری، معارف مبتلابه و معارف غیر ضروری و غیر مبتلابه) صورت می گیرد، با تمرکز بر روش تقلیدی و روش اجتهادی در دین شناسی و دین پژوهی، به این پرسش پاسخ می دهد که مطالعه تخصصی و اجتهادی دین، چه حکمی دارد؟

شایسته است از آیت الله اعرافی صاحب این اندیشه و فقیه این عرصه، تشکر فراوان شود. مسلماً کاستی های محتوایی و نگارشی کتاب حاضر، از صاحب این قلم است و احتمالاً نظرات صائب ایشان به درستی منعکس نشده است که انتقادات و پیشنهاد های صاحب نظران در تکمیل آن راهگشا خواهد بود.

در پایان باید گفت که جلد دوم فقه تربیتی، در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسید و سپس در مدتی اندک چند بار تجدید چاپ شد. کتاب حاضر با تغییرات محتوایی، چارچوبی و نیز اضافات، در این نوبت منتشر می شود. روش کار پژوهش پیش رو، این گونه بود که طرح اجمالی توسط پژوهشگر نگارش شده و مورد نقادی استاد قرار گرفت و ایشان پس از تأملات، چهارچوب مطلوب را سازماندهی نمودند. پس از تصویب نهائی عناوین کلی و زیر عنوان ها، پژوهشگر به گردآوری اطلاعات و محتوای مناسب می پرداخته و هر قسمت مورد نقادی استاد واقع می شد و نقطه

■ مقدمه ■

نظرات استاد در این مرحله به متن اضافه می‌شد.

در پایان از حجج اسلام صمد سعیدی و علی حسین پناه و همه همکاران در «مؤسسه اشراق و عرفان» و نیز محققان گروه فقه تربیتی تقدیر و تشکر می‌شود.

سیدنقی موسوی